



Criminalization of Assisting in Suicide

Ershad Kaviani¹

1. Lecturer, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 395-407

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0008-6315-4759

TELL: +989133356026

Email: ershad.kaviani@gmail.com

Article history:

Received: 28 Jul 2022

Revised: 25 Aug 2022

Accepted: 14 Sep 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Suicide, Crime, Criminalization, Accessory to Crime, Participation in Crime.

ABSTRACT

Suicide is a murder in which the perpetrator and the victim are the same person. In other words, when the perpetrator or the victim of the murder is the murderer himself, suicide is realized. In the current Islamic Penal Code of Iran (2012), suicide is not a crime. For this reason, being a deputy is not considered a crime. Because the criminality of the deputy is a metaphorical crime. This means that if the act committed is not a crime, then the deputy is not considered criminal, and none of them have any legal punishment. The fact that a person committing suicide does not have the ability to be punished is due to the fact that he no longer exists and is still alive. But it is possible to punish some people cooperated in suicide and prepared the ground for this act. There are evidences and documents that are the theoretical foundations of the viewpoint that considers assisting suicide as a crime.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Kaviani, E (2023). "Criminalization of Assisting in Suicide". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 395-407.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

جرم‌انگاری معاونت در خودکشی

ارشاد کاویانی^۱

۱. مربی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

خودکشی یا انتحار، قتلی است که مرتکب جرم و مقتول، یک نفر است. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی‌علیه یا بزه‌دیده قتل، خود قاتل باشد، خودکشی تحقق می‌یابد. در قانون مجازات اسلامی فعلی ایران (۱۳۹۲) خودکشی عنوان جرم ندارد. به همین سبب معاونت در آن جرم محسوب نمی‌شود، چراکه مجرمیت معاون، مجرمیت استعاری است. بدین معنا که هرگاه عمل ارتكابی، جرم نباشد، وصف مجرمانه به معاون نیز تعلق نگرفته و مآلاً هیچ‌کدام مجازات قانونی ندارند. اینکه فرد خودکشی‌کننده، قابلیت مجازات را ندارد، بدان سبب است که او، دیگر وجود ندارد و در قید حیات نیست تا مجازات شده و این اعمال کیفر نسبت به او واجد جنبه پیشگیرانه باشد، اما ممکن است افرادی در امر خودکشی، همکاری کرده و بستر را برای این عمل آماده کرده و به گونه‌ای معاون در وقوع خودکشی باشند. بنابراین مستند به توجیهات، ادله و استدلال‌های ارائه‌شده در این مقاله، می‌توان معاونت در خودکشی را جرم مستقل دانست و برای آن مجازات، تعیین کرده و با این کار به حیات، آرامش و امنیت روانی مردم کمک نمود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹۵-۴۰۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۷۵۹-۶۳۱۵-۰۰۸-۰۰۰۹

تلفن: ۰۲۶-۹۸۹۱۳۳۳۵۶

ایمیل: ershad.kaviani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

خودکشی، جرم، جرم‌انگاری، معاونت در

جرم، مشارکت در جرم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خودکشی به حالتی از مرگ اطلاق می‌شود که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عملی است که شخص قربانی، آن را انجام داده و از نتیجه عملش آگاه بوده است (آرون، ۱۳۸۱: ۳۶۷)، براساس شریعت اسلام و منطق قرآن، خودکشی، فعلی حرام و ممنوع و به تبع آن دارای عقوبت اخروی دانسته شده است. این عمل در قریب به اتفاق سیستم‌های حقوقی جرم محسوب نمی‌شود، ولی این به معنای جایز بودن آن نمی‌باشد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۸۵). در حقوق کیفری ایران، اگر فعل یا ترک فعلی، جرم تلقی نشده و برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین نشده باشد (حتی اگر فعل یا ترک آن، بسیار زشت و ناپسند باشد)، قابلیت تعقیب و مجازات ندارد. به همین سبب، افعالی مانند خودکشی یا خودزنی در قوانین کیفری جرم، شناخته نشده و قابل طرح و رسیدگی در محاکم نخواهند بود، هرچند از نگاه اسلام، گناهان بزرگی محسوب می‌شوند. خودکشی از قانون فعلی و موضوعه، جرم نیست، چراکه اگر قرار باشد جرم باشد، باید مجرم قابل مجازاتی وجود داشته باشد، درحالی‌که فرد اقدام‌کننده به خودکشی، خود مرده است و عملاً مجازات او موضوعیت و امکان عقلی و عرفی ندارد. او فاقد حیات و زندگی است. از همین رو مجازات وی منتفی است. متفرع بر آن اعمالی مانند شروع به خودکشی، معاونت و مشارکت در خودکشی نیز جرم نبوده (زراعت، ۱۳۷۹: ۵۰) و مجازاتی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. عدم امکان مجازات کسی که مرتکب خودکشی شده است، بسیار بدیهی و روشن بوده و از نظر عقلی و منطقی قابل پذیرش است، زیرا شخص مرده (میت)، قابل مجازات نیست و با مرگ، مسؤولیت و تکالیف حقوقی و کیفری او منتفی می‌شود. ممکن است تصور شود معاونت در خودکشی هم بالتبع جرم نیست، چراکه معاونت، جنبه تبعی و فرعی دارد و از مجرم اصلی، استعاره مجرمیت می‌نماید. به‌دیگرسخن به دلیل اینکه خودکشی جرم نیست، معاونت در آن هم جرم نمی‌باشد، اما این سخن، خالی از اشکال نیست، زیرا در برخی از موارد، زمانی که فرد در آستانه خودکشی است، اگر شخصی که مقدمات روحی، روانی و دیگر شرایط را برای او آماده می‌کند، وجود نداشته و اگر او را از انجام این عمل،

بازمی‌داشت و به شیوه و سبک درست و امیدوارانه زندگی، راهنمایی می‌کرد، شخص از خودکشی دست کشیده و اقدام نمی‌کرد. به همین جهت، نقش معاون در این گونه موارد، پررنگ‌تر و مؤثرتر می‌نماید تا خود شخص. خلأ قانونی در مورد مجرمیت معاون در خودکشی، اقتضاء دارد که قانون‌گذار محترم با تأملی ویژه در این خصوص، قائل به مجرمیت شده و مجازاتی را برای آن در قانون تعریف کرده و در نظر بگیرد. با این تقنین، معاونت در خودکشی جنبه کیفری پیدا کرده و در نتیجه برخی افراد با بی‌مبالاتی اقدام به همکاری در این عمل غیرانسانی نکرده و از گسترش و افزایش تعداد خودکشی‌ها جلوگیری خواهد شد، زیرا به راحتی و خیال آسوده از خلأ قانونی، نمی‌توان بستر و زمینه را برای انتحار دیگری مهیا کرد، زیرا توجه به این ضمانت اجرایی قانونی همیشه بیم دخالت در امور منتهی به خودکشی برای دیگر افراد وجود دارد. تبیین چرایی این خلأ قانونی، مقصود است، یعنی چرا این خلأ وجود دارد؟ چرا و چگونه باید این خلأ را پر کرد؟ ادله و مبانی فقهی و تحلیل‌های حقوقی چگونه رفع این خلأ را اقتضاء می‌کند؟

۱- قبح و حرمت خودکشی

فهم قبح عقلی و عقلایی و دستیابی به حکم حرمت شرعی خودکشی، نه دارای صعوبت نظری و تئوری و نه مستلزم اعمال استدلال و قیاسات مختلف و پیچیده است. اندکی توجه به گزاره‌های روشن عقلی در لزوم حفظ حیات و حتی نگاهی نه‌چندان عمیق به آموزه‌های دین اسلام (و حتی سایر ادیان)، این زودبایی و عدم صعوبت را تصدیق و تأیید می‌نماید. یکی از مهم‌ترین (و شاید مهم‌ترین) نعمت خداوند به انسان، حیات است. هر نعمتی، امانت است. این نعمت امانت، وظایفی را به وجود می‌آورد. بایستگی حفظ حیات، از اهم این وظایف است. از بزرگ‌ترین اسراف‌ها (یعنی هدر دادن نعمت)، اسراف در حفظ نعمت و امانت حیات می‌باشد. شاید یکی از مؤاخذه‌شونده‌ترین نعمت‌ها در روز بازپسین، نعمت حیات باشد. از همین رو خودکشی، شرعاً حرام و عقلاً قبیح است. برخی آیات و روایات به گونه نص و صراحت بر این حکم دلالت دارد، البته پاره‌ای از ادله، به گونه‌ای عام و فراگیر هستند که حرمت خودکشی می‌تواند مصداقی از آن باشد.

که در طول تاریخ، تعداد خودکشی در بین مسلمانان (نسبت به دیگران) کمتر بوده و قابل مقایسه با آمار خودکشی سایر ملل نباشد (ولیدی، ۱۳۸۰: ۱۴). فقها، براساس همین ادله، قائل به حرمت هر نوع خودکشی هستند. صاحب جواهر در کتاب وصیت، درباره حکم کسی که اقدام به خودکشی کرده، سپس وصیت می‌کند، با عبارت «لحرمته عندنا»، حکم حرمت خودکشی را بیان می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷۵). با استناد به قاعده «لاضرر»، می‌توان «ضرر» را شامل «مال» و «نفس» دانست، یعنی از آن رو که خودکشی نوعی ضرر است، اسلام آن را هرگز مجاز نمی‌شمارد. افزون‌بر آن براساس قاعده «کلما اضر بالبدن فهو حرام»، هر چیزی که به بدن ضرر برساند، حرام است. بسیار روشن و بدیهی است که خودکشی نیز شدیدترین نوع ضرر به جسم است و از این نظر نیز، قطعاً حرام است.

۲- مبانی و ادله جرم‌انگاری معاونت در خودکشی

علیرغم اینکه از نظر دین اسلام، خودکشی در شمار گناهان کبیره و بزرگ است و مرتکب، مستوجب کیفر و عقاب اخروی است و مطابق قاعده حرمت اعانت بر اثم که بر حرمت معاونت در هر گناهی دلالت دارد و در این رابطه روایتی در خصوص همکاری و مساعدت در قتل از پیامبر اکرم نقل شده است که می‌فرماید: «من اعان علی قتل مسلم و لو بشرط کلمه، جا یوم القیامه مکتوبا بین عینی: آیس من رحمه الله؛ کسی که همکاری و مساعدت نماید برای قتل مسلمانی ولو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: ناامید از رحمت خدا» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۴۵)، اما در قانون فعلی، خودکشی جرم نبوده و برهمن اساس شروع به خودکشی و معاونت در خودکشی هم جرم نیست. از همین‌رو در ادامه تلاش بر این است با تبیین، بررسی و نکته‌سنجی، معاونت در امر خودکشی، مورد جرم‌انگاری قرارگیرد.

۲-۱- چستی معاونت در جرم

معاون جرم کسی است که با کمک‌های ذهنی یا عینی موجبات وقوع جرم را فراهم و ارتکاب آن را تسهیل می‌کند (افراسیاب، ۱۳۹۹: ۴۴). امکان دارد کسی بی‌آنکه در عملیات

آموزه‌های دین اسلام به‌شدت با خودکشی مخالف بوده و آن را از گناهان بزرگ می‌داند. آیه ۳۳ سوره نساء: «خودتان را مکشید، به درستی که خداوند نسبت به شما مهربان است» (نساء/۳۳). همچنین ذیل آیه ۲۹ سوره نساء، مردم را از قتل نفس بازمی‌دارد. ظاهر آن به قرینه جمله «ان الله کان بکم رحیماً» نهی از خودکشی و انتحار می‌باشد، یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی‌شود دیگری شما را به قتل برساند، بلکه به خود شما هم اجازه نمی‌دهد که خویشتان را به دست نابودی بسپارید. در روایات نیز، آیه فوق به معنی «انتحار» تفسیر شده است. به هر حال یکی از تفاسیر قطعی آیه ۲۹ سوره نساء، حرمت خودکشی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۰۵). آیه دیگری که بر حرمت خودکشی دلالت دارد، آیه ۳۳ سوره اسراء است: «هرگز نفس محترمی را که خداوند آن را محترم داشته و قتلش را حرام کرده، مکشید مگر آن که به حق، مستحق کشتن باشد». عبارت «حرم الله» را می‌توان از ریشه «حرمت» و به معنای «حرام» یا «احترام» دانست. با این توضیح، آیه به دو صورت معنا می‌شود: نفسی را که خداوند ریختن خون او را حرام کرده، مکشید یا نفسی را که خداوند او را محترم قرار داده، مکشید (آقای، ۱۳۸۱: ۱۳۵). براساس عمومیت آیه کسی مجاز نیست نفسی را که خداوند ریختن خونس را حرام کرده یا آن را محترم شمرده است، بکشد. نفس انسان نسبت به خودش نیز محترم است. بنابراین علاوه بر اینکه کشتن انسان‌های دیگر به ناحق، حرام می‌باشد، خودکشی نیز حرام است. مستند به آموزه‌های دینی یک فرد مؤمن، ثابت‌قدم، صبور و دارای ظرفیت بالا است. انسان مؤمن به هیچ‌وجه در مقابل مشکلات، از صبر و شکیبایی فاصله نگرفته و در برابر حوادث ناگوار روزگار، تن به خودکشی نمی‌دهد (مظاهری، ۱۳۸۲: ۱۰۲). امام باقر (ع) فرمود: «به‌درستی که مؤمن به هر بلایی مبتلا می‌شود و به هر قسم مرگی، می‌میرد، جز اینکه او خود را نخواهد کشت» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴). بنابراین بر اساس منابع دینی، اگر فردی آگاهانه دست به خودکشی بزند، به‌دلیل اینکه برخلاف اوامر الهی، حیات خود را سلب کرده است، بی‌ایمان از دنیا خواهد رفت. به این ترتیب ضمانت اجرای خودکشی در شریعت اسلام، امری اخلاقی، درونی و دینی است و همین امر باعث گردیده

مجازات اسلامی ایران روشن می‌شود که معاونت در جرم، زمانی قابل مجازات است که اصل عمل ارتكابی، جرم باشد، یعنی معاونت در جرم، آنگاه قابل تعزیر است که جرم دیگر و عنوان مجرمانه دیگری وجود داشته و معاون براساس مصادیق تعیین‌شده قانونی، «مرتکب اصلی» را یاری و مساعدت نماید. درخصوص مستقل یا استعاره‌ای بودن معاونت، در کلام فقها تصریحی که بیانگر دیدگاه آن‌ها باشد، وجود ندارد و مطلبی که به استناد آن می‌توان دیدگاه فقها را کشف کرد، بحث شرطیت یا عدم شرطیت تحقق معان علیه در صدق معاونت است. فقیهانی که معتقدند وقوع معان علیه هیچ دخالتی در تحقق عنوان معاونت ندارد، به‌طور ضمنی از دیدگاه استقلالی بودن معاونت پیروی کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱: ۶۸)، اما فقهایی که وقوع معان علیه را در تحقق معاونت شرط می‌دانند، به‌نوعی بر استعاره‌ای بودن معاونت تأکید دارند (خویی، ۱۴۳۰: ۱۷۹). گفتنی است قانون‌گذار در این مورد از دیدگاه مجرمیت استعاره‌ای تبعیت کرده که به‌موجب آن، اعمال مجرمانه معاون از عمل شریک یا مباشر جرم، عاریه گرفته می‌شود، یعنی اگر عنوان و فعل اصلی، جرم باشد، می‌توان معاونت را جرم دانست. شرط تحقق عنوان معاونت، جرم‌بودن فعل و کار اصلی است. از همین‌رو اعمال مادی که عنوان معاونت را ایجاد می‌کنند (مانند تسهیل وسیله یا تحریک و یا دسیسه و فریب) خود عاری از بار مجرمیت خاص هستند، مگر آنکه عنوان اولی، دارای وصف مجرمانه باشد (نوربها، ۱۳۹۱: ۲۰۶). براساس این نظر، فقط یک جرم قابل مجازات وجود دارد، یعنی همان جرمی که مباشر انجام داده است. اگر عمل اصلی به‌دلیل یا دلایلی، قابل مجازات نباشد یا اصولاً عمل اصلی، جرم نباشد، معاون نیز قابل کیفر و مجازات نیست. از آنجاکه در قانون مجازات اسلامی، خودکشی جرم نیست، پس کسی که صرفاً به تهیه و تدارک وسایل خودکشی اکتفا کرده، عمل او تا این اندازه به‌لحاظ عدم صدق عنوان جرم اصلی، نمی‌تواند قابل مجازات باشد. براساس نگرش رقیب و دیدگاه دیگر، وقتی چند نفر در ارتکاب جرم مداخله می‌کنند، به تعداد شرکت‌کنندگان، جرایم مستقل پیدا می‌شود. این نظریه، مسؤولیت کیفری هریک از مداخله‌کنندگان را مجزا از دیگری می‌داند. از همین‌رو معاونت

اجرایی جرمی شرکت داشته باشد، به‌طریق مختلف، دیگری یا دیگران را در ارتکاب عمل مجرمانه یاری کند. کمک‌کردن و یاری‌رساندن، دارای مصادیق متعدد و متنوعی است. از همین‌رو تعریف معاونت با نوعی صعوبت روبه‌رو است. به‌همین‌جهت، قانون‌گذار با احصای موارد و نشان‌دادن مصادیق، تصویری از آن را ارائه کرده است. معاون خود غالباً در عملیات اجرایی شرکت ندارد، چراکه در این صورت، عنوان مباشر یا شریک را خواهد داشت، اما در اجرای جرم به اشکال و گونه‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده، با مباشر و شرکاء، مساعدت و همکاری می‌کند (نوربها، ۱۳۹۱: ۲۰۲). به‌نظر می‌رسد بتوان معاون جرم را چنین تعریف نمود: «کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته، بلکه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه و فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق، در ارتکاب رفتار مجرمانه، همکاری و دخالت داشته است» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

۲-۲- معاونت در خودکشی و عناصر سه‌گانه

در حقوق جزای موضوعه، هیچ جرمی بدون اجتماع سه عنصر قانونی (تعیین وصف مجرمانه به حکم قانون)، مادی (تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه) و معنوی (رفتار مجرمانه همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزائی) محقق نمی‌شود (فیض، ۱۳۸۱: ۸۵). این عناصر سه‌گانه، فراگیر است و تحقق و وجود آن‌ها در تمامی جرائم، الزامی و بایسته است. معاونت در خودکشی نیز برای اینکه بتواند جرم، تلقی شود، باید این سه عنصر را داشته باشد. بررسی نحوه تحقق این عناصر ما را به ایده‌محوری و مدعای این نوشتار که بایستگی و لزوم جرم‌دانستن و قابل مجازات‌دانستن معاونت در خودکشی است، نزدیک‌تر می‌کند.

۲-۲-۱- عنصر قانونی

ماده ۱۲۶ قانون مجازات جدید مصادیق معاونت در جرم را مشخص و معین کرده است. باتوجه به شرایط، امکانات خاص، دفعات و مراتب جرم، برای آن، مجازات در نظر گرفته است. با تأمل در مواد قانونی مرتبط با معاونت در قانون فعلی

ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوانان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف- هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب- هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ- هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.»

با عنایت به بیان قانون‌گذار در ماده فوق مشخص می‌شود که قانون‌گذار معاونت در خودکشی اطفال و نوجوانان را فارغ از نتیجه حاصله جرم‌انگاری نموده است. در بند «الف» ماده ۴ این قانون، چنانچه معاونت در خودکشی، منتهی به فوت طفل یا نوجوان شود، مجازات معاون که درواقع همان کسی است که موجبات خودکشی را فراهم نموده و نتیجه منظور (مرگ) طفل و نوجوان با مباشرت خود او محقق گردیده است، افزون بر پرداخت دیه به مجازات حبس درجه پنج محکوم خواهد شد (آقای نی، ۱۳۹۹: ۱۹۲)، اما در بند «پ» این ماده به‌رغم آنکه معاونت علی‌الاصول از جرایم مقید به نتیجه است، ولی قانون‌گذار در راستای سیاست کیفری تقنینی، مطلق اقدامات معاونت برای خودکشی را، جرم شناخته است و به عبارت دیگر، صرف معاونت، جرم‌انگاری گردیده است.

بنابراین تعیین معاونت در خودکشی به‌عنوان جرم و تعیین کیفر برای آن، سابقه و مشابه هم دارد. داشتن سابقه و مشابه، نشان از حساسیت و اهمیت و نیز روشنگر وضعیت آتی (رفع این خلأ) است. پیشنهاد این جستار نیز متکی بر ادله نظری، الگوی مشابه و همانند و همین سوابق تجربی و البته تجربه‌شده، است.

۲-۲-۲- عنصر مادی

برای اینکه جرم، وجود خارجی پیدا کند، پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد. نیت و ابراز فکر برای تحقق عنوان جرم، کافی نیست، چراکه ممکن است شخص، قصد مجرمانه داشته باشد، ولی به دلایل مختلفی، مانند ندامت و پشیمانی و یا ترس از مجازات، هرگز آن را به مرحله اجرا نگذارد.

را جرمی مستقل و جدا از جرم اصلی، معرفی و آن را دارای کیفری مستقل و متناسب، تلقی می‌کنند. پایه و اساس این سخن، آن است که باید به خطرناک بودن جرم و شخصیت خطرناک مجرم، نظر داشت. مجازات معاون، صرف‌نظر از مجازات مجرم اصلی یا اقدام تأمینی که تعیین می‌شود، باید متناسب با خطری باشد که آن شخص، یعنی معاون جرم برای اجتماع دارد. پذیرش این انگاره به‌جهت اینکه عملاً مسأله معاونت در ارتکاب جرم را از بین خواهد بود، برکنار از نقد و مصون از ایراد نیست. به‌همین سبب، چندان مقبول قانون‌گذاران نبوده است، البته این رویکرد باعث شده در برخی قوانین جزایی (ازجمله قانون مجازات اسلامی) برخی از طبقات معاونین به‌عنوان جرم خاص مستقل قابل مجازات شناخته شوند. به‌عنوان مثال، در قانون تعزیرات، در مواد ۵۰۴، ۵۱۲، ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون‌گذار معاونت در جرم را به‌عنوان جرم مستقل پذیرفته است.^۱

باتوجه به اینکه جرایم جزایی به‌طور دقیق و به‌صورت مواد قانونی باید توسط مقنن، تعیین شده و هریک، ارکان مخصوص به‌خود را داشته باشد، در مورد معاونت در خودکشی قانون‌گذار می‌تواند ضمن ماده‌ای جداگانه، مجرمیت شخصی که با تهیه وسایل و اقدامات خود، زمینه و بستر را برای خودکشی انسان دیگری آماده کرده است، به رسمیت بشناسد. همچنانکه اخیراً مطابق قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، معاونت در خودکشی به‌وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، جرم شناخته شده است. براساس ماده ۱۶ قانون مذکور و بند «ج» آن، «هرکس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به‌منظور ارتکاب جرایم و انحرافات جنسی یا سایر جرایم یا خودکشی یا استعمال مواد روان‌گردان، اشخاص زیر هجده سال تمام را آموزش داده یا تبلیغ یا تحریک یا تهدید یا تشویق یا دعوت نموده یا فریب دهد یا طریق ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل نماید یا آموزش دهد، به حبس از نودویک روز تا یک‌سال یا جزای نقدی از دویلمیون و پانصد هزار تا ده‌میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ماده ۱۴ نیز آمده است: «هرکس به‌هرنحو موجبات

^۱ - رجوع کنید به: ماده ۴۰، قانون گذرنامه، مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱ و ماده ۲۵، قانون مطبوعات، مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴.

ارتکاب، از ارتکاب آن ممانعت به عمل نیامورد، معاون جرم محسوب نمی‌شود.

۲-۲-۲-۲- تحقق فعل مجرمانه در خارج

برای اینکه معاونت در جرم تحقق یابد، لازم است فعل مجرمانه در خارج وجود پیدا کند. بنابراین اگر شخص معاون، پس از شروع به معاونت، به دلیل عوامل خارجی که اراده او در آن دخالت ندارد، از عمل خود منصرف شده و عنوان معاونت واقع نشده و تحقق پیدا نکند، صرف شروع به معاونت در خودکشی، قابلیت مجازات و کیفردهی ندارد.

۲-۲-۲-۳- عدم نیاز به وحدت قصد بین معاون و مباشر

علی‌القاعده براساس نظریه استعاره مجرمیت بین معاون و مباشر، جرم باید وحدت قصد موجود باشد که در قانون مجازات اسلامی در مبحث معاونت از این نظریه تبعیت شده است، اما از آنجاکه نگاه ما در این مقاله به معاونت در خودکشی به عنوان یک جرم مستقل می‌باشد، نیازی به وحدت قصد بین معاون و مباشر در خودکشی نمی‌باشد.

۲-۲-۲-۴- تقدم یا اقتران زمانی

علاوه بر وحدت قصد بین معاون و مباشر، باید این وحدت یا قبل از ارتکاب بزه و یا در حین انجام آن باشد. بنابراین اگر انسان، دیگری را بعد از ارتکاب خودکشی به نحوی یاری نماید، اطلاق معاونت بر عمل او، قابل دفاع نیست، البته ممکن است نفس عمل، خود، جرم خاصی باشد که کمک‌کننده از آن جهت و با همان عنوان خاص باید تعقیب و مجازات شود. چنانکه در مواد ۵۵۳ و ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی سابق آمده است.

۲-۲-۳- عنصر معنوی

برای اینکه جرمی محقق شود، صرف وقوع مصادیق آن در خارج کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، لازم است عامل از روی اراده، مرتکب عمل شده باشد. به عبارت دیگر، برای تحقق جرم می‌بایست بین عملی که قانوناً قابل مجازات است و شخص عامل، رابطه روانی وجود داشته باشد. آن رابطه، اراده است (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۳۵۱)، از همین رو عنصر معنوی جرم، قصد مجرمانه یا خطایی است که انسان در اثر آن، جرم

به همین سبب، قصد ارتکاب جرم تا زمانی که مقرون به اعمال خارجی نشده و خللی در نظم اجتماع وارد نساخته باشد، قابل تعقیب نیست (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۲۰۹). معاونت، خود دارای عنصر مادی خاص است. این عناصر و مؤلفه‌ها با دقت در ماده ۴۳ قانون مجازات قدیم و ماده ۱۲۶ قانون جدید به دست می‌آید:

۲-۲-۱- تحقق عمل مثبت مادی

در بیشتر موارد، عنصر مادی جرم، یعنی رفتار مجرمانه به صورت عمل یا فعل مثبت است، اما گاهی اوقات به صورت منفی یا ترک فعل نیز قابل تصور است. همانطور که ماده ۲ ق.م.ا جدید صراحتاً بیان می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.» به همین اعتبار، می‌توان جرائم را از نظر عنصر مادی به جرم فعل و جرم ترک فعل، تقسیم نمود. جرم فعل، عملی است که انجام آن توسط قانون‌گذار، ممنوع و برای آن مجازات تعیین شده است، مانند سرقت و قتل، البته گاهی هم ممکن است جرم فعل مثبت، سخن یا قول باشد، مانند اهانت و ناسزاگویی.

مواردی هم وجود دارد که قانون‌گذار به لحاظ حفظ نظم عمومی برای افراد تکالیفی را معین می‌کند که عدم انجام آن‌ها، جرم شناخته می‌شود. در این حالت، جرم، خودداری از انجام تکالیف محوله است (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۵۷). به این موارد، جرم ترک فعل گفته می‌شود. از ویژگی‌های این نوع، سهولت اثبات است، چراکه این گونه جرایم از امور حادث‌شدنی نیستند که خلاف اصل عدم بوده و نیازمند اثبات باشند، بلکه امری عدمی و موافق با اصل هستند. تحقق معاونت در خودکشی، مستلزم تحقق یک عمل مثبت مادی است. در این عنوان، ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی قرار گیرد. بنابراین معاونت در خودکشی زمانی صدق می‌کند که شخص به واسطه عملی مانند آماده کردن طناب، قرص و یا هر چیز مرتبط دیگری، زمینه‌ای را برای انتحار شخص فراهم کند. از این رو هرگاه کسی که مطلع از وقوع خودکشی است، اما عمل را با اطلاع از آن افشاء ننماید یا پس از وقوف به جریان

۳-۱- تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم
واژه تحریک به معنای به حرکت درآوردن و در اصطلاح
به معنای توصیه، تشویق و فرمان ارتکاب جرم گفته می‌شود.

ترغیب به معنای ایجاد رغبت و تمایل در دیگری است و
درحقیقت یکی از نمونه‌های تحریک می‌باشد که به صورت
خاص در اینجا بیان شده است. در قانون مجازات اسلامی
معنای تحریک و ترغیب مشخص نشده است، بلکه آن را
به صورت یک مسأله موضوعی تلقی نموده و تشخیص آن را
بر عهده قاضی واگذارده است. قاضی نیز با نگاه به اصول و
قواعد کلی و عرف جامعه آن را احراز می‌نماید. در برخی موارد
امکان دارد به واسطه دیگری، فرد، تشویق یا ترغیب شود که
برای خلاصی از مشکل، یا برای به دست آوردن دل کسی و یا
به هر دلیل دیگری، اقدام به انتحار کند. در این گونه موارد
معاونت در خودکشی صدق می‌کند.

تهدید به معنای ترساندن و بیم دادن است. نوعی تحریک است
که می‌تواند از طرق مختلف، فاعل جرم را به ارتکاب، وادار
کند. تهدید ممکن است نسبت به جان، ناموس، مال یا آبروی
افراد باشد. بین تهدید و حالت روانی مباشر که وی را وادار به
ارتکاب جرم می‌کند، باید رابطه سببیت وجود داشته باشد، اما
نباید به حد اجبار مادی برسد، بلکه صرف عدم رضایت، کافی
است. تهدید در خودکشی تحت عنوان «اکراه در خودکشی»،
قابل تبیین است.

تطمیع به معنای به طمع انداختن است. معمولاً در قالب دادن
مال یا دادن وعده یا امتیازات مالی به مباشر است که وی را
وادار به ارتکاب جرم می‌کند. به نظر می‌رسد تطمیع در مورد
خودکشی، موضوعیت نداشته باشد، مگر در مواردی که
خودکشی برای مقاصد خاص (مانند نابه سامان نشان دادن
اوضاع یا به نشانه علامت اعتراض در جایی) شخص از طرف
دیگری به واسطه دادن وعده یا مال، اقدام به خودکشی
می‌نماید که حالت نمادین داشته، ولی اتفاقاً منجر به فوت فرد
می‌شود. در این صورت اشخاصی که وی را بر این اقدام،
تطمیع کردند، عنوان معاون در خودکشی خواهند داشت.

را مرتکب شده و با شرایطی، مسؤولیت جزایی متوجه او
خواهد بود. در تحقق عنصر معنوی یا روانی جرم، وجود دو
عامل ضرورت دارد: یکی اراده ارتکاب فعل و دیگری قصد
مجرمانه. حلقه اخیر تحقق معاونت در خودکشی، وجود قصد
مجرمانه یا سوءنیت معاون جرم است، بدین ترتیب که او باید
عالمأ و عامداً یکی از اعمال پیش‌بینی شده در ماده ۱۲۶ ق.م.ا
را با توجه به اینکه باعث وقوع جرم خواهد شد، انجام داده و
تحقق جرم (مثلاً خودکشی) را نیز خواستار شده باشد تا بتوان
او را به عنوان معاون در جرم تحت تعقیب قرار داد و به کیفر
رسانید. افزودنی است با عنایت به اینکه رکن معاونت در
خودکشی، علم و قصد مرتکب به عناصر مادی جرم است،
معاون باید ماهیت رفتار خود را بداند که در ارتکاب خودکشی،
معاونت می‌کند و نتیجه عمل وی، ارتکاب جرمی از سوی
دیگری خواهد بود و میان فعل او و نتیجه، رابطه سببیت
وجود دارد. اگر فردی ابزاری، مانند اسلحه را برای ارتکاب
خودکشی، در اختیار دیگری قرار می‌دهد باید بداند که از
اسلحه وی برای ارتکاب خودکشی، استفاده خواهد شد و
مرگ دیگری، نتیجه عمل وی خواهد بود. از همین رو اگر
اسلحه را برای شکار حیوان در اختیار دیگری قرار دهد، اما
گیرنده اسلحه از آن برای کشتن خودش استفاده کند، دهنده
با عنوان معاون، قابل تعقیب و کیفر نیست. همین وضعیت
برقرار است در جایی که به گمان سمی نبودن ماده‌ای، آن را در
اختیار دیگری قرار دهد.

افزون براین، اراده فعل و نتیجه نیز شرط تحقق معاونت است،
یعنی مرتکب باید اسلحه را با اراده و قصد در اختیار دیگری
قرار دهد. قصد این را هم داشته باشد که خودکشی با اسلحه
او صورت گیرد. اگر اسلحه گرفتن با فریب یا اجبار باشد،
معاونت تحقق نمی‌یابد، حتی اگر صاحب اسلحه، قصد دادن
آن را در زمان بعدی داشته است.

۳- مصادیق معاونت در قانون

قانون‌گذار محترم در بندهای «الف، ب و پ» ماده ۱۲۶
ق.م.ا، برخی از مصادیق مادی معاونت را صریحاً شمرده است
که با تکیه بر موضوع بحث (معاونت در خودکشی) آورده
می‌شود:

۲-۳- معاونت از طریق دسیسه، فریب و نیرنگ، زمینه‌چینی، مکر و خدعه

به‌گونه‌ای که مباشر یا شریک را چنان تحت تأثیر قرار دهد که جرم را انجام دهد. دسیسه، یعنی مکر پنهانی و فریب به‌معنای مکر آشکار است، البته لازم نیست مکر و حيله، مستقیماً در مباشر جرم مؤثر واقع شود تا قابل مجازات باشد، بلکه اگر فردی به‌واسطه فریب و نیرنگ از سوی دیگری، اقدام به خودکشی نماید، معاونت در مورد او صدق می‌کند.

۳-۳- معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم

وسيله ارتکاب جرم، معنای عامی دارد. تهیه این وسایل، معاونت در جرم به‌حساب می‌آید. بنابراین نوع وسیله، اهمیتی ندارد، بلکه مهم، نفس و صرف تهیه وسیله برای ارتکاب جرم و آن را در اختیار مباشر قراردادن و استفاده از این وسایل است. از بارزترین نمونه‌های معاونت در خودکشی همین است که افرادی در تهیه و فراهم کردن وسایل و ابزارآلات خودکشی به دیگری کمک کرده و او را در رسیدن به مقصودش یاری نمایند.

۴-۳- معاونت به‌وسیله تسهیل ارتکاب جرم

تسهیل جرم، آسان کردن وقوع و اجرای جرم است، یعنی کسی با عمل خود، وقوع جرم را تسهیل کند، مانند اینکه مواعی را از پیش پای فرد در شرف خودکشی بردارد تا او بتواند به آسانی کارش را انجام دهد. مشروط بر آنکه عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند، مثلاً مکان خلوتی را برای شخص فراهم کند یا از تردد دیگران به آن محل جلوگیری کند، البته باید متذکر شد که باتوجه به رأی شماره ۲۵۰۴-۱۳۱۷/۱۱/۰۶ شعبه ۵ دیوان کشور که اعلام داشته است: «سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب بزه را نمی‌شود معاونت تلقی کرد...»، اگر کسی در حضور دیگری، مرتکب خودکشی شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری، سکوت اختیار کند، موجب هیچ‌گونه مجازاتی نیست. به‌نظر می‌رسد بررسی‌های فوق می‌تواند به‌اندازه کافی ما را متقاعد کند که آن را معاونت در خودکشی تلقی نماییم.

۴- مجازات معاونت در خودکشی

با بیان تحلیل‌های فوق و با تبیین عناصر سه‌گانه جرم معاونت در خودکشی و پذیرش عنوان جرم مستقل در مورد آن، به‌نظر می‌رسد در مورد اینکه قانون‌گذار می‌تواند کیفر و مجازاتی برای آن وضع کند، تردید وجود ندارد و تأخیر هم روا نیست. با مراجعه به قانون، ملاحظه می‌شود قانون‌گذار محترم در ماده ۱۲۷ قانون جدید به‌طور کلی در تمامی جرایم، معاونت را پذیرفته و آن را قابل تعزیر دانسته است. طبق این ماده و بندهای «الف، ب و پ» آن، اشخاصی که معاون تلقی شوند، باتوجه به ماده ۱۲۷ همین قانون و با در نظر گرفتن شرایط، امکانات، دفعات و مراتب جرم و تأدیب، از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، کیفر تعزیر دارند. نوع نگاه قانون‌گذار به این ماده روشن می‌کند در همه جرایم (اعم از جرایم دارای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده و دیگر مجازات‌ها مانند حدود) عنوان معاونت وجود دارد (اصل قانونی بودن جرم). به‌همین دلیل و باتوجه به چنین جایگاهی می‌توان معاون را تعزیر کرد (اصل قانونی بودن مجازات).

به‌سبب اینکه قانون‌گذار قائل به جرم بودن خودکشی نیست، صدر ماده فوق ما را به در نظر گرفتن مجازاتی برای آن مجاز نمی‌کند، اما با استناد و تکیه بر ماده ۱۲۹ را راه باز می‌نماید. در این ماده آمده است: «هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به‌جهتی از جهات شخصی، مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به‌جهتی از این جهات، موقوف گردد، تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.» توضیح اینکه گاهی اوقات مرتکب اصلی به‌جهت و یا جهاتی قابل تعقیب و کیفر نیست، مانند جایی که مرتکب اصلی، صغیر یا مجنون باشد، اما در این حالت، معاون، قابلیت تعقیب و مجازات را از دست نمی‌دهد، یعنی بی‌آنکه مرتکب اصلی، مجازات شود، معاون، سزاوار کیفر می‌شود. در مورد خودکشی همین حالت و وضعیت، برقرار است، یعنی علیرغم جرم نبودن خودکشی و مجرم نبودن مرتکب اصلی (فردی که اقدام به خودکشی کرده است) و یا موضوعیت نداشتن مجازات و کیفر ایشان (به‌دلیل فوت و مرگ)، می‌توان معاون را مجرم و سزاند کیفر و مجازات دانست. به‌دیگر سخن حتی با جرم نبودن

مبلغ پانصد هزار فرانک را به دنبال دارد (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۵۶).

قانون جزای ایتالیا، به موجب ماده ۵۸۰، تحریک یا کمک به خودکشی را جرم دانسته و کیفرهای آن را نیز در برخی موارد تشدید کرده است، مثلاً در جایی که فرد (مجنی علیه) کمتر از ۱۸ سال سن داشته یا دچار اختلال روانی باشد. به موجب همین ماده «هرکس مسبب خودکشی دیگری شود یا تصمیم خودکشی او را تقویت کند یا به نحوی اجرای آن را تسهیل کند» مجازات خواهد شد. همچنین برپایه ماده ۵۷۲ همین قانون، کسی که در اثر سوءرفتار، سبب مرگ و خودکشی دیگری شود، این سوءرفتار موجب کیفیت مشدده خواهد شد. در کشور انگلستان، خودکشی را قابل مجازات می‌دانستند، اما به موجب «قانون خودکشی»، مصوب ۱۹۶۱ خودکشی، دیگر جرمی برای مباشر آن نیست. براساس این قانون، قانونی که خودکشی را جنایت می‌شناخت، لغو شد و در نتیجه شروع به خودکشی هم که جرم محسوب می‌شد، نسخ گردید، اما اگر حداقل دو نفر درگیر ماجرا باشند، مسؤول بودن آن‌ها محتمل خواهد بود. این مسؤولیت ممکن است به موجب قانون خودکشی و یا براساس قانون قتل مصوب ۱۹۵۷ به وجود آید، اما به موجب بخش ۲ قانون خودکشی شخصی که (با حضور یا بدون حضور در صحنه جرم) در خودکشی دیگری یا شروع به خودکشی او شرکت یا معاونت می‌کند، مسؤول خواهد بود، بدین ترتیب انگیزه چندان اهمیتی ندارد. از این رو ارائه سم برای تسریع در مرگ توأم با درد و رنج، به اندازه ترغیب یک خویشاوند پیر به خودکشی، به امید ارث بردن از او، جرم خواهد بود. به عبارت دیگر، در این قانون هرنوع کمک یا تشویق یا فراهم آوردن وسائل خودکشی برای شخص دیگر، به صورت مستقل یک اقدام جنایی شناخته شده است، البته براساس بخش ۲ «قانون خودکشی»، کمک به خودکشی دیگری تنها در صورتی می‌تواند موضوع اتهام قرار گیرد که قربانی، مرتکب قتل خود شود، یعنی اگر در این مورد اثبات شود که متهم، قربانی را کشته است، وی به موجب بخش ۲ مقصر نخواهد بود، بلکه قاتل شناخته می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۵۱). در حقوق انگلستان، برای جلوگیری از مساعدت افراد به خودکشی دیگران، جرم خاص و مستقل «مساعدت به

عمل اصلی و مجرم نبودن مرتکب اصلی، تعقیب و کیفر معاون، مستند و از توجیه لازم و کافی برخوردار است.

البته استدلال‌ها و تحلیل‌های پیش‌گفته به اندازه کافی این اقناع را ایجاد می‌کند که در نظر گرفتن عنوان یک جرم مستقل برای معاونت در خودکشی، کاملاً مدلل و موجه است. مترتب بر این عنوان، می‌توان مجازات مستقل را نیز برای آن در نظر گرفت. روشن است که تعیین میزان دقیق آن به عهده قانون‌گذار محترم است. همانند دیگر مواردی که در قانون مجازات اسلامی است، یعنی اعمالی که ماهیتاً معاونت در جرم تلقی می‌شود و علی‌القاعده می‌بایست در محدوده مقررات ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی باشند، اما مورد حکم ویژه و خاص قرار گرفته و مجازات‌های معین و مشخص برای آن‌ها مقرر شده است، مانند معاونت در جرایم ضد امنیت داخلی مملکت^۱، فراری دادن اشخاص زندانی یا توقیف‌شده، معاونت در سقط جنین و موارد بسیار دیگری که در قانون مجازات وجود دارد.

۵- معاونت در خودکشی در قوانین جزایی فرانسه، ایتالیا، انگلستان و عراق

در بعضی از نظام‌های کیفری (فرانسه)، قانون‌گذاران مجازات معاون و فاعل اصلی را برابر انگاشته و به یک معنی آن‌ها را شریک در جرم پنداشته‌اند. رویکردی که به نظریه کسب مطلق شهرت یافت (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۷۸). در حال حاضر در کشور فرانسه، گرچه خودکشی جرم نیست، ولی تحریک به خودکشی یا تبلیغ و آگاهی به هرنحوی و از طریق جراید و وسائل سمعی و بصری جرم است (موضوع مواد ۱۳-۲۲۳ و ۱۴-۲۲۳ و ۱۵-۲۲۳ قانون جزای فرانسه^۲)، یعنی تحریک به خودکشی موضوع جرم مستقلی است. براساس مواد فوق، در صورتی که تحریک منتهی به خودکشی یا شروع به خودکشی شده باشد، مستوجب سه سال حبس و سیصد هزار فرانک جریمه نقدی است. این اقدام نسبت به فرد دارای کمتر از ۱۵ سال، مجازات ۵ سال حبس و جزای نقدی به

^۱ - برای مثال مواد ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۴۹ و ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی.

^۲ - قانون جزای فرانسه، مصوب ۱۹۹۲ میلادی می‌باشد که از سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد.

خودکشی دیگری» به موجب ماده ۲ قانون خودکشی، مصوب سال ۱۹۶۱، پیش‌بینی شد که با حداکثر چهارده سال حبس قابل مجازات است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۷۰). به این ترتیب با تصویب قانون خودکشی در انگلستان، ضمن پیداشدن یک راه حل حقوقی برای جرم دانستن معاونت در خودکشی، نگرانی و تصور اینکه با الغای قانون مجازات خودکشی، این عمل قبیح رو به فزونی خواهد رفت، برطرف شد.

البته مسأله مساعدت، کمک و معاونت در خودکشی در قوانین جزایی کشورهای دیگر مورد توجه است. قانون جزایی ۱۹۳۸ سوئیس (که در سال ۱۹۵۰ اصلاح شده است)، در ماده ۱۱۵، فعل کسی را که با سوءنیت، دیگری را تحریک و وادار به خودکشی کند یا برای این کار به او مساعدت نماید، قابل مجازات دانسته است (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۶۰). قانون مجازات عراق (مصوب ۱۹۶۹) نیز تحریک به خودکشی را با توجه به عواقب آن، موقعیت سنی و کیفیت شعور مجنی علیه مورد توجه قرار داده است. ماده ۴۰۸ قانون مذکور در ۳ بند، ویژه این امر است: «هرکس دیگری را تحریک به خودکشی نماید یا به هر وسیله‌ای او را کمک به خودکشی کند، اگر این اعمال منتهی به انتحار شوند، مجازات مرتکب تا حداکثر هفت سال حبس است. اگر این تحریک و کمک، باعث شروع به خودکشی آن شده باشد، اما منجر به انتحار نشود، مجازات تحریک کننده حبس است. اگر سن خودکشی کننده کمتر از ۱۸ سال بوده یا دارای نقص ادراک و اراده باشد، موجب تشدید مجازات محرک است. چنانچه خودکشی کننده فاقد ادراک یا اراده باشد (حسب مورد)، تحریک کننده به مجازات قتل عمدی یا شروع به قتل عمدی، محکوم خواهد شد» (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۶۰).

نتیجه‌گیری

شریعت اسلام، خودکشی را حرام می‌داند. این حرمت، مستند به کتاب، سنت است. برای مرتکب آن وعده کیفر اخروی، داده شده و اینکه این اقدام به‌رغم جرم‌نبودن، عملی مذموم است، می‌توان موضوع جرم‌انگاری معاونت در خودکشی را مورد بررسی قرار داد. برای جرم‌دانستن معاونت در خودکشی، با الزام خلاف‌ناپذیری تحت عنوان مقررات معاونت در ارتکاب جرم مواجه نیستیم و می‌توانیم با اصلاح قانون به مقصود برسیم. کسی که سلاح خود را به دیگری می‌دهد تا ثالی را

بکشد، به‌همان میزان قابل سرزنش است که سلاح را به کسی بدهد تا مبادرت به خودکشی نماید. بنابراین نباید قابلیت سرزنش چنین کسی را به دلیل این قاعده که مجازات معاون موکول به ارتکاب جرم از سوی مرتکب اصلی است، در مطلق موارد، نادیده انگاریم و می‌توان با وضع قانون، معاونت در خودکشی را که متضمن حرمت شرعی و اخلاقی است، جرم شناخت. قانون‌گذار جرایم خاتمه‌نیافته‌ای، مانند شروع به جرم یا تشکیل دسته یا جمعیت برای برهم‌زدن امنیت کشور یا تبانی یا رفتارهای بدون اثر در بدن را جرم دانسته، بدون آنکه از رفتار آن‌ها نتیجه‌ای حاصل شود. این در حالی است که در معاونت در خودکشی، حیات یک انسان خاتمه می‌پذیرد، ارزشی که نظام قانون‌گذاری ما نسبت به آن بسیار حساس و شدیدترین مجازات را برای مرتکب آن پیش‌بینی کرده است. این بدان معنا نیست که چنین دیدگاهی را در سایر موارد به‌نحو الزام‌آوری جاری بدانیم، بلکه معاونت در خودکشی به‌عنوان یک حکم خاص، در مقابل عام، موردنظر است. بند «ب» ماده ۷۴۳ ق.م.ا.ت، تحریک، ترغیب یا تهدید یا دعوت یا فریب یا تسهیل شیوه ارتکاب خودکشی را به‌صورت یک جرم مستقل و منصرف از وقوع نتیجه، جرم‌انگاری نموده و مرتکب را مستحق حبس از نودویک روز تا یک سال حبس یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات دانسته است که به‌طور تلویحی تأکید بر آن دارد که وفاداری به متون کهن معاونت و مباح‌دانستن آن در خودکشی، امری غیرقابل پذیرش است، به‌ویژه آنکه با موازین شرعی نیز انطباقی ندارد. نگاهی به ماده ۲۸۶ ق.م.ا که مجازات معاونت در افساد فی الارض را همان مجازات مقرر برای مرتکب اصلی قرار داده، نشانه‌ای از ضرورت خروج عقل از حقوق کیفری سنتی در موارد مقتضی است. در پایان این مقاله پیشنهادات ذیل مطرح می‌گردد:

۱- با تأمل در پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها، مشاهده می‌شود جرم‌ندانستن معاونت در خودکشی، باعث روانه‌شدن پرونده‌های بسیاری با موضوع اصلی خودکشی به دادگاه‌های جزایی شده و بعد از گذشت زمان طولانی، سرانجام بدون نتیجه، بسته می‌شوند. در بسیاری از موارد اولیای دم، کاملاً علم دارند شخص دیگری در آماده‌سازی و فراهم کردن بستر

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. چاپ پنجاه‌وششم، تهران: انتشارات میزان.
- اصغری، عبدالرضا و رضانی، قدرت‌الله (۱۳۹۶). «معاونت در جرم از منظر فقه و حقوق جزای ایران، افغانستان و مصر». *فصلنامه قضاوت*، ۱۷ (۹۰): ۵۱-۷۲.
- افراسیاب، محبوب (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی در رویه قضایی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات علم و دانش.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱). *کتاب المکاسب*. جلد اول، قم: منشورات دار الذخائر.
- آرون، ریمون (۱۳۸۱). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقای، محمدعلی (۱۳۸۱). *آیات الاحکام (حقوق مدنی، کیفری)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات خط سوم.
- آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۹). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات میزان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *فصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۳۰). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*. جلد اول، چاپ چهارم، قم: مؤسسه احیای آثار امام خوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*. محقق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار القلم.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۷۸). *آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی*. قم: نشر تبلیغات اسلامی.
- زراعت، عباس (۱۳۷۹). *شرح قانون مجازات اسلامی*. تهران: انتشارات ققنوس.

و مهیاساختن شرایط، نقش مؤثری را ایفا کرده است، به‌گونه‌ای که با نبود او احتمال منتفی‌شدن خودکشی وجود داشت. به‌دلیل جرم‌نبودن خودکشی، این‌گونه پرونده‌ها از این حیث، منجر به سردرگمی و ناامیدی اولیای دم خواهند شد. بنابراین با علم به اینکه تعیین جرم و مجازات از اختیارات و وظایف انحصاری قانون‌گذار است (برهمنین مناسبت نظریه شماره ۷/۴۱۱۴-۱۳۶۲/۱۱/۲۶.ج.ق اداره کل حقوقی که بیان داشته است: «مجازات معاونت در حدود و قصاص احتیاج به نص قانونی دارد») انتظار می‌رود در این مورد قانون‌گذار عنایت ویژه‌ای داشته باشد و همانند قانون جرائم رایانه‌ای، عمل شود.

۲- به‌لحاظ قبح عقلی و عقلایی و نیز حرمت شرعی خودکشی، پیشنهاد می‌شود برای اقدام به خودکشی‌هایی که منجر به فوت نمی‌شود، مجازات تعیین شود، البته در وضع مجازات و اجرای زمان و نحوه اجرای آن، وضعیت روحی و روانی فرد (که بی‌شک در اثر خودکشی ناموفق، آسیب روحی، روانی و جسمی دیده است)، با ملاحظات روان‌شناختی و با نظر روان‌شناس باشد. به‌دیگرسخن، افرادی که مبادرت به خودکشی می‌کنند، اما به هر دلیل به انتحار (فوت و مرگ) منجر نمی‌شود، مشکلات و آسیب‌های مختلفی می‌بینند. از همین‌رو نوع جرم و مقدار کیفر و زمان اجرای آن در مورد این افراد با ملاحظات ویژه و خاص باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت انفرادی توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات پاژنگ.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه. جلد سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد (۱۴۱۹). کنز‌العرفان فی فقه القرآن. محقق سیدمحمد قاضی، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۱). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی/اسلام. چاپ ششم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قانون گذرنامه. مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱.
- قانون مجازات اسلامی جدید. مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مطبوعات. مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۴). مبانی جرم‌شناسی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲). محشای قانون مجازات اسلامی (برمبنای قانون مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱). تهران: انتشارات مجد.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۲). اخلاق در خانه. چاپ نهم، قم: نشر اخلاق.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی ۲. چاپ دوم، تهران: دادگستر.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۳ ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوربها، رضا (۱۳۹۱). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص. چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.